

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۹ جون ۲۰۱۲

## خلقت از دیدگاه ادیان ابراهیمی

۱

با اظهار معذرت خدمت خوانندگان این پورتال عزیز و گرانمایه از اینیکه مدتی تأخیر در این سلسله نوشته ها وارد شده بود فقط مختصر عرض بدارم که به نسبت مریضی، با وجود سعی و کوشش بی نهایت نتوانستم سلسله آنها را ادامه دهم . اینک با بهبودی نسبی دو باره در تلاش شده‌ام تا ادامه دهنده این سلسله نوشته‌ها بوده و افتخارانه در خدمت عزیزان و هموطنانم قرار گیرم.

### بخش اول

قبل از این که وارد این بحث مهم شویم لازم دیدم تا از راپوری که از تازه ترین اطلاعات نقل شده توسط تلسکوپ فضائی "هابل" که به مرکز علمی "ناسا" در امریکا مخابره شده است یاد آوری نمایم . این تلسکوپ ۱۳ متر طول ۳.۴ متر قطر و ۱۱.۶ تن وزن دارد و در سال ۱۹۹۰ توسط فضا پیمای "دسکوری" در مدار زمین قرار داده شده و در ۶۱۰ کیلو متری زمین در گردش است و عکس‌های ارسالی آن توسط انستیتوت علمی مخصوص به طور منظم مورد بررسی قرار می گیرد . این تلسکوپ در روز ۱۶ اکتوبر ۱۹۹۴ تصویری از انفجار آسمانی در کهکشانی واقع در ۵۰۰ میلیون سال نوری از زمین ما در یافت داشت که طبق محاسبات متخصصین نا سا ذرات ناشی از آن با سرعت ۳۲۰۰۰۰۰ کیلو متر در ساعت پراکنده شده‌اند تا تولد چند میلیارد خورشید تازه را به دنبال بیاورد.

در عصر کنونی که در باور های میلیونها یهودی، مسیحی و مسلمان خلقت شش روزه زمین و کائنات از طرف موجودی ماوراء الطبیعی یعنی خدا ریشه دوانیده و جان گرفته است تعداد خیلی کمی از ما به موضوعات علمی به ارتباط خلقت علاقه گرفته و در باره حقانیت و چگونگی آن مطالعه می داریم فکر می کنم لازم افتاده تا هموطنان دانشمند ما و آنانی که در این موضوعات مطالعات علمی و پژوهشی دارند در هر زمانی که لازم دانند نظریات و

عقاید خود را بدون ترس و وا همه از عبا و قبا داران دینی و مذهبی بنویسند! صبر و بیطرف ماندن در چنین قضایا عقابت های نا هنجاری به دنبال خواهد داشت به این مفهوم که طول عمر ناآگاهی جوانان و مردم مظلوم ما که قربانی خرافات اند طولانی تر خواهد شد و خاموشی در چنین مقطع فکر می کنم جرم خواهد بود. به خاطر این که رولی در بیداری نسل خفته در رویا داشته باشیم تا اندازه توان در پخش آنچه از علم و معرفت در مغز داریم با ایمان کامل به باور های خود به استناد طرح های علمی سعی داریم تا روشنگر راه های گسترده شده دانش در ارتقاء و تحول فکر جوانان و هموطنان بی خبر نگه داشته خود باشیم !!

اینک به ارتباط خلقت یک قسمتی از نتیجه پژوهش های علمی دانشمندان را به طور خیلی مختصر یاد آوری می نمایم:

در حدود ۱۶ میلیارد سال از پیدایش کائنات و از منظومه شمسی ما در حدود ۶ میلیارد سال و از پیدایش زندگی (حیات) بر روی زمین در حدود سه میلیارد سال می گذرد و کهکشان ما که منظومه شمسی و زمین بدان تعلق دارد تنها یکی از پنجاه میلیارد کهکشان جهان آفرینش است و این کهکشان خودش به تنهایی ۲۰۰ میلیارد خورشید دارد که خورشید ما فقط یکی از آنها "نه بزرگترین آنها" است و حدود گسترش این کائنات تا آنجا که شناخت آنها با وسایل علمی امکان دارد ۱۵ تا بیست میلیارد سال نوری است یعنی سالی که هر ثانیه آن مفهوم سیصد هزار کیلو متر و هر ساعت آن مفهوم یک میلیارد کیلو متر را دارد. با در نظر داشت این موضوعات علمی تثبیت شده باید این کائنات و نظام هستی را روی تمام معیار های طرح شده افکار انسانی تا آنجا که برای ما مقدر است بررسی و مطالعه نمائیم و علت پیدایش، نظم و اداره آن را بیابیم. چون بشر دارای مغزی است پژوهشگر و جوینده !! رفتن در این مسیر و تحقیق و ارزیابی خالق آن و یا هم این که خالق آن مخلوقی دیگری شاید باشد و به همین سلسله دوام دهیم کاری بدی نخواهد بود و ضرری هم نخواهد داشت؟؟ به جز آزردهی تعدادی از تاجران دین و کهنه پرستی و قهر و غضب استعمار !! و به خاطر دنبال نمودن این صحبت می رویم به سراغ آنهایی که از مجرای مشخص دینی به این موضوع بزرگ نگریسته و تاریک نگری هائی در این موارد دارند و همچو موضوعات علمی و تحقیقی برای شان مطرح نیست؟؟

در مورد خلقت کائنات و هستی، کتابها و نوشته های زیادی از دیدگاه های مختلف باور داشتن و نا باوری طی هزاران سال تحریر گردیده و هر کدام از متفکران و نویسندگان با برداشتهای و باور های علمی یا غیر علمی خود مطابق معیار های عقلی تحت تأثیر شرایط طبیعی - اجتماعی و محیطی آن را به بررسی و تحلیل گرفته و از آن نتیجه گیری هائی نموده اند. که بعداً توسط اشخاص دیگر در مراحل مختلف تاریخ، آن ایده ها و نوشته ها پیگیری و توسعه یافته است و یا همچنان بعضی از آن نظریات به دست فراموشی زمان سپرده شده است. با نظری گذرا بر جریان سیر تکاملی بشریت به سادگی خواهیم دید که ترس از طبیعت و پدیده های ویران کن و آفات آن باعث گمراهی طرز تفکرات بشری گردیده و قسماً اشباح پرستی و موجودیت خدایان متنوع در بین انسان ها را به وجود آورده است و این باور های مختلف انسان ها از زلزله - رعد و برق - طوفانها و..... باعث شده بود و است که انسان ها به قدرت های ماوراء الطبيعة معتقد و باور مند شوند و گفته می توانیم که صد ها هزار سال طول کشیده تا چند خدائی جایش را به خدای واحد بدهد و زیر تأثیر این مسأله پیروان باور های یک خدائی در مورد خلقت - قیامت، بهشت، دوزخ و..... تفکراتی داشته که آن را به شکل پندار های ذهن نشین طی تلقینات و یا نوشتار هائی به نسل های بعدی گذاشته اند و در این جمله ادیان در مجموع در باره خلقت آسمان، زمین، کهکشانها، انسان، نبات و غیره تحلیل خود را دارد که نوشته هذا روی همین طرح و چوکات بندی خرافات در قالب های مقدس ادیان در

مورد خلقت می چرخد و قبل از بررسی تشریحات ادیان در این مورد باید یک نظر کوتاه به گذشته های دور انداخته و بعداً به طرح کتاب های آسمانی تورات، انجیل و قرآن راجع به خلقت (آسمانها، زمین، ستارگان، آفتاب و انسان و زنده جانهای روی زمین- جن و ملایکه و خلقت روح) مکتب خواهیم نمود تا ببینیم ادیان سماوی و مشخصاً دین اسلام که آن را دین کامل و (دین علمی) می گویند در این باره چه چیز هائی برای ما و بشریت پیشنهاد و یا امر داشته و ما را به اجرای آن موظف می دانند؟

ادیان ابراهیمی به اصطلاح توحیدی اساس باور های شان را بر مبنای (خدای واحد) و (آفرینش جهان) تهادب نهاده اند. باید یاد آوری نمود که در ادیان غیر توحیدی هم مسأله آفرینش جهان وجود داشته و بیشتر از ۴ هزار سال قبل از میلاد قدامت هم دارد. مثلاً خدای آفریننده سومر (آن لیل) و قصه آفرینش سومر و بابل و آشور در (سفر آفرینش) تورات وجود دارد. بعد از اضمحلال سومر به وسیله سورگون پادشاه اکد این داستان اکدی - بابلی و خدای سومری جای خود را به خدای بابلی (مردوخ) می گذارد و وقتی که بابل به دست آشوری ها از بین می رود همین داستان آفرینش با کمی تغییرات عقیده آشوری می شود و خدای بابلی به خدای آشوری تبدیل می شود و به جای مردوخ (آشور) خدای حاکم بر سر زمین می گردد. بعداً یهودی ها این آفرینش را به خدای خود یهوه نسبت دادند در حالی که یهوه قرنهای فقط ادعای **خدائی قوم یهود** را داشت نه **آفریننده جهان**؟ و در اسلام هم محمد قصه آفرینش را شامل عمل کرد خدا می سازد و فقط نام او از یهوه به الله که اسم یک بت در خانه کعبه بود تغییر می کند.

آن لیل - خدای سومر، (مردوخ) خدای بابل، (آشور) خدای آشور (برهمه) خدای هندوئیسم، (اهورامزدا) خدای دیانت زردشتی، (یهوه) خدای یهود (پدر آسمانی) خدای مسیحیت و (الله) خدای اسلام و ..... همه خدایان (آفرینش) بودند و یا این که بیرون شان چنین نسبیتی را به آنها می دادند که باید بین خدایان قوم های مشخص و خدایان ادعا کننده آفرینش فرق گذاشت؟؟ و باید قبل از پرداختن به دیدگاه ادیان ابراهیمی به چند نکته ای اشاره داشته باشیم.

خلقت از یک نقطه ای زمانی شروع شده و اگر لحظه ای بپذیریم که موجودی به نام خدا یا الله این خلقت را آغاز نموده است احتیاج به جواب گیری سؤالات زیادی پیدا می نمائیم. مثلاً در ادیان ابراهیمی مخصوصاً اسلام وقتی از خلقت صحبت می شود چنین استنباط می گردد که در وقت خلقت زمین و آسمانها همین الله خالق در عرش خود نشسته و عرش هم در روی آب بوده است؟؟ و اگر خالق آب و عرش را قبل از وجود کائنات خلق نموده در کدام زمان خلق شده اند؟ و قبل از این که خالق آنها را خلق نماید خدا تنها و بدون عرش بوده؟؟ و یا این که این عرش ازلی بوده و آب هم ازلی می باشد؟ باید فهمید قبل از این که خالق به خلق شروع کند چیز هائی وجود داشته و یا قبلاً خلق شده بودند؟؟ ادیان در این باره چیزی به ما نمی گوید. (چون چیزی برای گفتن ندارند!) البته با خواندن بخش اسلامی خلقت خواهیم دید خلقت یعنی چه؟؟ و همچنان با خواندن و استدلال قرآن خواهیم دید همین خالق احتیاج به زمان داشته؟ چون گاهی از خلقت زمین و آسمانها در شش روز یا به اصطلاح ملا های نکتائی پوش شش دوران و گاهی هم از هشت روز صحبت شده که همین عدد شش و یا هشت نشاندهنده در قید بودن زمانی خالق را نشان می دهد و نشانگر نیاز خالق به زمان و مکان می باشد؟؟ ولو این که قبول نمائیم که خالق زمان و مکان هم او بوده است. همین که خالق در جریانی از خلقت به پدیده های مخلوق خودش نیاز مند است (زمان و مکان) طرح دینی را از خلقت و ارتباط این مسایل زیر سؤال می برد، چون ادیان ابراهیمی خالق را بی نیاز تعریف می کنند!

در زمانه های قدیم مردم زمین را به شکل هموار و صاف تعریف می کردند و هندیان تصور می کردند که زمین

روی ۴ فیل ایستاده و تصور آریائی ها هم این بود که زمین روی شاخ گاوی است که زلزله ناشی از تکان خوردن شاخ گاو می باشد و مردمان جهان در کل به خورشید، رعد و برق، زلزله، آتش فشانها و امثالهم منحیث نیرو های فوق طبیعی اعتقاد داشته و تصور این که خورشید صبح گاه از یک گوشه ای زمین بیرون آمده و در جریان روز به گوشه دیگر زمین رفته و استراحت می کند ذهن نشین گردیده بود و بشر پرستش خورشید را به عنوان رب النوع آغاز نمود و به خیال شان که ستاره ها در آسمان چشیده شده اند. و محمد هم چنین عقیده ای داشت !! در افسانه بابلیان آسمان گنبدی بوده و مقر خدایان است. عقاید و نظریات روشنگرانه انسان هائی مثل هراکلیت و دموکریت تحت تاثیر خرافات مذهبی یهودی ها و بعدا مسیحی ها در اجتماع بشری نتوانست در آن زمان جای برای خود باز نماید و به ارتباط این موضوعات باید نکات چندی را در نظر داشته و باید خاطر نشان ساخت که از دهها هزار سال به اینطرف در بین تمدن ها تا قرن ۱۵ میلادی عقیده بر مسطح بودن کره زمین رواج داشت تا این که گالیله ثابت کرد زمین کره ای است و به خاطر این اثبات توسط مسیحیان شگنجه شد چون باور های او با ادیان مخصوصاً کتاب مقدس مسیحیان در تضاد بود. اگر اسلام ۱۴ قرن پیش از هموار بودن زمین صحبت داشته تحت تأثیر همین باور های غیر علمی بوده است

ادامه دارد